

اشتباهات رایج در معادل‌یابی نام بیماری‌ها در فرهنگ‌های روسی - فارسی

دکتر آبتین گلکار ©

استادیار گروه زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

golkar@modares.ac.ir

حسین طوافی

کارشناس ارشد آموزش زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

tavafih1@gmail.com

واژه‌های کلیدی: فرهنگ روسی-فارسی، معادل‌یابی، اصطلاحات پزشکی

در همه فرهنگ‌های لغت عمومی، واژه‌ها و اصطلاحاتی وجود دارد که تعریف و ترجمه آنها علاوه بر دانش زبانی و فرهنگ‌نگاشتی، به معلومات تخصصی در سایر علوم (فیزیک، شیمی، پزشکی، هنر و...) نیز نیاز دارد. یکی از این دسته واژه‌ها اصطلاحات پزشکی و به‌طور خاص، نام بیماری‌ها هستند که از یک سو اصطلاحات تخصصی پزشکی به شمار می‌آیند و از سوی دیگر، به دلیل پیوند خوردنشان با زندگی روزمره بشر به فرهنگ‌های عمومی و غیرتخصصی تک‌زبانه و دوزبانه نیز راه پیدا کرده‌اند.

در این پژوهش تلاش بر آن است تا بر پایه معادل‌های فارسی ثبت‌شده در فرهنگ‌های دوزبانه روسی - فارسی برای ۱۳۵ اصطلاح روسی دال بر نام بیماری‌ها اشتباهات و کاستی‌های موجود در این معادل‌یابی‌ها تعیین شود تا در ویراست‌ها و بازبینی‌های بعدی فرهنگ‌ها اشتباهات موجود در این حوزه کاهش یابد. فرهنگ‌هایی که در این پژوهش استفاده شده‌اند، عبارت‌اند از سه فرهنگ عمومی (فرهنگ روسی - فارسی آفچیننیکووا، فروغیان، بدیع^۱؛ فرهنگ روسی - فارسی کلیفتسوا^۲ و ویراست جدید فرهنگ روسی - فارسی واسکانیان^۳) و یک فرهنگ تخصصی سه‌زبانه (فرهنگ فشرده پزشکی روسی -

^۱. Овчинникова, Фуругян, Бади

^۲. Клевцова

^۳. Восканян

انگلیسی فارسی نجفوف^۱). در ادامه از حروف اختصاری «آ»، «ک»، «و»، «ن» به ترتیب برای اطلاق به سه فرهنگ یادشده استفاده خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین کاستی‌هایی که حین بررسی پیکره پژوهش به چشم آمد، استفاده از معادل‌های منسوخ یا غیررایج است که در زبان فارسی معاصر و معیار، کاربرد ندارند. خود این معادل‌های منسوخ را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) معادل‌های منسوخ عربی: در بسیاری از نمونه‌ها، معادل‌های عربی برای نام بیماری‌هایی پیشنهاد شده است که در فارسی معاصر معادل‌های فارسی یا لاتین رایج و پذیرفته‌تری دارند؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به معادل‌هایی مانند «فقرالدم» به جای «کم‌خونی»، «خناق» به جای «دیفتری» یا «ورم خبیث» به جای «غده (تومور) بدخیم» اشاره کرد. اغلب این معادل‌های منسوخ در فرهنگ‌های «آ» و «ک» به کار رفته‌اند که با توجه به قدیمی بودن این فرهنگ‌ها تا اندازه‌ای طبیعی هم می‌نماید، ولی حتی در فرهنگ به‌روزشده‌ای مانند «و» (و همچنین فرهنگ فارسی - روسی روبینچیک) نیز به معادل‌هایی مانند «ذبحه / ذبحاء» به جای «اوربون» برمی‌خوریم.

ب) استفاده از معادل‌های فارسی نامأنوس و منسوخ: در برخی از موارد نیز نام اصیل فارسی بیماری‌ها جای خود را به معادل‌های عربی یا لاتین دیگری داده و خود از دایره واژگان پرکاربرد زبان فارسی بیرون رفته‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان به معادل‌هایی مانند «تب نوبه» به جای «مالاریا»، «گوشک» به جای «اوربون»، «خوره» به جای «جذام» اشاره کرد. جالب‌توجه است که شمار این‌گونه واژه‌ها در فرهنگ تخصصی «ن» بیش از بقیه فرهنگ‌هاست و نمونه‌هایی مانند «چنگار» به جای «سرطان»، «سپیدخونی» به جای «سرطان خون»، «رگ‌بست» به جای «سکته» و... را نیز در بر می‌گیرد.

برخی دیگر از معادل‌های ارائه‌شده از لحاظ ملاحظات سبکی مناسب به نظر نمی‌رسند؛ به‌عنوان مثال، می‌توان از «باد شکم» به جای «نفخ»، «کودنی در اثر پیری» به جای «الزایمر»، «شب‌شاشی» به جای «شب‌اداری»، «چاییدگی» به جای «سرماخوردگی»، «کری» به جای «ناشنوایی» یاد کرد.

در نمونه‌های دیگر نیز معادل‌های ارائه‌شده از نظر ویژگی‌های ساخت‌واژی نامأنوس و نادرست به نظر می‌رسند، نمونه‌هایی مانند «نفس تنگ» یا «تنگ‌نفس» به جای «نفس‌تنگی»، «ریزش خون» به جای «خون‌ریزی»، «زهرخوردگی» به جای «مسمومیت»، «نیش‌خوردگی» به جای «گزیدگی» از جمله این ساخت‌های نامتداول هستند یا معادل «خون‌شاری» به جای «خون‌ریزی» در فرهنگ «ن» که یک اصطلاح تاجیکی است و در فارسی کاربرد ندارد.

اشکال دیگری که جدی‌تر است و می‌تواند به فهم نادرست معنای بیماری منجر شود، در معادل‌یابی نام بیماری‌هایی دیده می‌شود که از نظر علائم به هم شباهت دارند و حتی گاه در تداول عامه، از روی

^۱. Наджафов

سهو و اشتباه، به جای یکدیگر به کار می‌روند، درحالی‌که از نظر تخصصی تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر دارند. این خلط معنا در فرهنگ‌های دوزبانه بررسی شده مثلاً میان «خناق» و «خروسک»، «سرخک» و «سرخجه»، «خون‌ریزی مغزی» و «سکتۀ مغزی»، «تهوع» و «استفراغ»، «دمل» و «کورک» مشاهده می‌شود. از نمونه‌های جالب‌توجه دیگر می‌توان به مترادف شدن دو بیماری «تیفوس» و «حصبه» در برخی از فرهنگ‌ها اشاره کرد که حتی در علائم نیز شباهت چندانی ندارند و فقط به علت اشتراک واژه روسی «тиф» در نام‌های روسی («брюшной тиф» و «сыпной тиф») با هم خلط شده‌اند.

در برخی از نمونه‌ها نیز اشتباهات رخ داده در معادل‌یابی نام بیماری‌ها علت روشن و سیستماتیکی ندارد و فقط با سهو زبانی قابل توجیه است. برای مثال، ارائه معادل «بیماری گزنه» به جای «کهپیر» احتمالاً ناشی از شباهت و خلط دو واژه روسی «крапивница» «کهپیر» و «крапива» «گزنه گیاه» بوده است. معادل «قصبه‌الریه» به جای «برونشیت» نیز قطعاً نادرست است؛ زیرا «قصبه‌الریه» به معنی «نای» است و نه بیماری مربوط به آن. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان از معادل «شپشک» یاد کرد که در برابر اصطلاح روسی «педикулез» پیشنهاد شده است، درحالی‌که «شپشک» در فارسی نام نوعی حشره و آفت کشاورزی است و نه نام بیماری ناشی از گزیدگی شپش.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که شمار اشتباهات و کاستی‌ها در حوزه نام بیماری‌ها در فرهنگ‌های دوزبانه روسی به نسبت قابل توجه است و نیاز به روزآمد کردن و بهبود کیفیت این منابع به‌طور کامل احساس می‌شود. از سوی دیگر، برای معادل‌یابی این‌گونه اصطلاحات که متعلق به حوزه‌ای خاص از یک دانش یا فن بشری هستند، حتماً باید از منابع تخصصی و معتبر آن رشته و از متخصصان فن که به هردو زبان آشنا باشند، کمک گرفت و گاه از استمداد از زبان واسطه نیز گریزی نخواهد بود.

References

منابع

1. Восканян Г. А. *Русско-персидский словарь*. Тегеран.: Фарханг Моасер, 2013. 1258с.
2. Клевцова С.Д. *Русско-персидский словарь*. Тегеран. Джан Заде. 1374. 872с.
3. Овчинникова И.К., Фуругян Г.А., Бади Ш.М. *Русско-персидский словарь*. -Мешхед. Джавдан Херад. 2008. 1091с.
4. Наджафов Г.Г. *Краткий русско-англо-персидский и персидско-англо-русский словарь*. М.: Рудомино, 2008.